

## سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و مدیریت تعارض رابطه تهران - ریاض

رضا اختیاری امیری<sup>۱</sup>

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

حسین رفیع

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

عطیه بلبل امیری

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(تاریخ دریافت ۹۸/۶/۱۲ - تاریخ تصویب ۹۹/۵/۱)

### چکیده

با قدرت گرفتن ملی‌گرایان روسی و اوراسیاگرایان، خاورمیانه از اهمیت راهبردی در محاسبات منطقه‌ای و جهانی روسیه برخوردار شده است. در همین چارچوب توسعه مناسبات با کنشگران اصلی زیرسیستم خاورمیانه نظیر جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از اولویت‌های سیاست خارجی روسیه بوده است. اما تهران و ریاض منافع متعارضی را در منطقه پیگیری می‌کنند که این موضوع چالشی برای دستگاه دیپلماسی روسیه محسوب می‌گردد. با توجه به این مساله، سوال پژوهش بر این اساس شکل گرفته است که روسیه چگونه همزمان با حفظ مناسبات با تهران و ریاض، به مدیریت تعارض موجود در روابط آنها در راستای منافع منطقه‌ای خود پرداخته است؟ فرضیه مقاله بر این مبنا قرار دارد که روسیه تلاش کرده تا بر اساس رویکرد کاملاً واقع‌بینانه و پراگماتیستی روابط مستقلاً را با هر دو کشور همزمان برقرار کند تا بدین ترتیب منافع منطقه‌ای و همچنین جهانی خود را تامین نماید. روش تحقیق تحلیلی - تبیینی است و از رهیافت نظری واقع‌گرایی جهت تبیین موضوع استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در رابطه با مساله فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نفوذ منطقه‌ای و حضور این کشور در سوریه، تقابل جبهه مقاومت با ائتلاف عربی-عبری و حمایت ایران از حوثی‌های یمنی در جنگ با عربستان، رهبران کرملین توجه‌ای به خواست سعودی‌ها نداشته و در مقابل سیاست هماهنگی را با تهران، در راستای منافع ملی خود، اتخاذ نمودند.

**واژه‌های کلیدی:** روسیه، ج.ا.ایران، عربستان سعودی، خاورمیانه، واقع‌گرایی.

Email: r.ehkhtari@umz.ac.ir

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۹، صص. ۹ - ۴۲.



نوع مقاله: علمی - پژوهشی

## مقدمه

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاست خارجی روسیه در قبال خاورمیانه همواره با نوساناتی همراه بوده است. اما سیاست کلی روسیه بویژه از زمان روی کار آمدن ولادمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ برقراری روابط هر چه نزدیکتر با کشورهای خاورمیانه و تاکید بر همکاری با آنها بود. در همین راستا، پوتین بین سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ برنامه سفرهای رسمی خود را به کشورهای مصر، الجزایر، اردن، ایران و بعضی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی) عملی نمود. اما دیپلماسی جدید روسیه صرفاً مبتنی بر از سرگیری روابط با متحدان سابق اتحاد جماهیر شوروی نبوده، بلکه گسترش و تعمیق روابط مسکو با سایر کشورها از طریق گفتگوی فعالانه نیز مد نظر بوده است (Kozhanov, 2018: 2-4). تا بدین ترتیب خود را به عنوان قدرتی نوظهور و بازیگری کلیدی در سطح خاورمیانه و جهان مطرح نماید.

پس از وقوع بهار عربی و شکل‌گیری انقلاب‌های مردمی در بعضی کشورهای عرب منطقه در سال ۲۰۱۱، ماهیت تعامل روسیه با خاورمیانه صورت تازه و جدی‌تری به خود گرفت و این کشور با حضور چشمگیر در معادلات منطقه‌ای سعی نمود ضمن حفظ ثبات و امنیت محیط پیرامونی، خود را به عنوان یک کنشگر تاثیرگذار بویژه در زمینه حل و فصل مناقشات و چالش‌ها مطرح سازد. کنشگری فعالانه این کشور در سند امنیت ملی سال ۲۰۱۷ نیز انعکاس یافته است؛ که در آن بر نقش موثر روسیه در تمامی مسائل استراتژیک و مهم بین‌المللی تاکید شده و اشاره دارد که مسکو هرگز محدودیت نقش خود را در رابطه با مسائل و رخداد‌های منطقه ای نخواهد پذیرفت (European Parliament, 2017: 6) و همچنین از تقویت امنیت بین‌المللی، ارتقای ثبات استراتژیک و ثبات منطقه‌ای حمایت خواهد کرد (The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 2016). به طور کلی سیاست روسیه در منطقه حول محور حفظ حاکمیت‌های ملی موجود و پایبندی بر هنجارهای بین‌المللی به منظور جلوگیری از رشد آشوب‌ها و رخداد‌های پیش-

بینی ناپذیر قرار دارد. اما این واقعیت بر مسکو پوشیده نیست که تثبیت شرایط، بهبود وضعیت اقتصادی و حل و فصل منازعات در خاورمیانه به تنهایی و به صورت یکجانبه امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا از این منظر روسیه در سیاست جدید خود در قبال خاورمیانه باب همکاری را با بازیگران دولتی و غیردولتی که حتی با یکدیگر تضاد منافع و ایدئولوژی دارند، گشود؛ که از آن جمله می‌توان به روابط این کشور با اسرائیل، حزب‌الله، ایران، عربستان سعودی، سوریه، مخالفان دولت سوریه، لیبی، قطر، امارات متحده عربی، ترکیه و کردها به طور همزمان اشاره نمود (Kuznetsov and et al, 2018: 14-15).

علیرغم دستور کار روسیه جهت افزایش حوزه نفوذ خود در ژئوپلتیک خاورمیانه، تلاش همزمان این کشور برای حفظ و افزایش مناسبات با ایران و عربستان سعودی مساله‌ای چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد. به عبارتی، اگرچه روسیه دارای زمینه‌های مشترکی جهت همکاری با تهران و ریاض است و منافع مشخصی را از این تعاملات مجزا دنبال می‌کند، اما از طرفی نیز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دارای تفاوت‌های اساسی با یکدیگر است که منجر به تعارض منافع و تضاد رویکردها و مواضع آنها نسبت به رویدادهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی بویژه در سال‌های اخیر شده است. تشدید تقابلات عربستان و ایران می‌تواند بر روند روابط روسیه با هر کدام از این دو کشور تاثیرگذار باشد و حتی حضور و منافع مسکو را در منطقه با تهدید مواجه نماید. با عنایت به این مساله، هدف پژوهش آن است تا تبیین نماید با توجه به منافع، اهداف و رویکردهای متعارض ایران و عربستان سعودی در عرصه سیاست خارجی و مسائل منطقه‌ای، روسیه چگونه توانسته است همزمان با حفظ مناسبات با تهران و ریاض، به مدیریت تعارض موجود در روابط آنها در راستای منافع خود بپردازد. فرضیه مطرح شده بر این مبنا قرار گرفته است که روسیه تلاش کرده تا با هر یک از این دولت‌ها روابط کاملاً مستقلی را در چارچوب سیاست واقع‌گرایی برقرار کند تا بدین ترتیب منافع منطقه‌ای و همچنین جهانی خود را تامین نماید.

### ۱. چارچوب نظری: واقع‌گرایی

واقع‌گرایی کلاسیک که گاه به صورت مکتب «سیاست قدرت»<sup>۱</sup> از آن یاد می‌شود، از رویکردهایی است که برای مدت طولانی به عنوان پارادایم حاکم در مطالعه سیاست بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. جاذبه تقریباً بی‌بدیل این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران در عرصه بین‌الملل و همچنین نزدیکی آن با فهم متعارف از سیاست بین‌الملل می‌باشد. واقع‌گرایان از این نظر چشم انداز خود را واقع‌گرایانه می‌خوانند که با واقعیت بین‌المللی همخوانی دارد (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۷۳). با چنین برداشتی، مکتب واقع‌گرایی توانسته به عنوان یکی از مکاتب نظری منسجم و مطرح همواره یکی از رویکردهای مطالعاتی در حوزه سیاست خارجی دولت‌ها باشد.

این نظریه بر اصولی چون دولت محوری، آنارشی سیستم بین‌الملل، قدرت، امنیت و منافع ملی تأکید دارد. هانس جی مورگنتا، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرا، مفهوم منافع ملی را واقعیتی عینی و مهم، جهت شناخت فکر و اقدام سیاستمداران قلمداد نموده و معتقد بود که منافع ملی معیاری همیشگی است که با آن باید اقدام سیاسی را ارزیابی نمود و آماج‌های سیاست خارجی نیز بایستی بر این مبنا تعریف شوند (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۲۳۸-۲۳۹). به عبارتی، سیاست خارجی واقع‌گرا، سیاستی منفعت‌محور است که مهم‌ترین هدفش، تأمین و تعقیب منافع ملی می‌باشد که بر اساس قدرت ملی تعریف می‌شود. بنابراین، اگر دولت‌ها توان کافی نداشته باشند، برای تأمین منافع خود با مشکلات جدی مواجه خواهند شد (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۹). منافع ملی دولت‌ها به صورت کسب ثروت، قدرت و تأمین بقا تعریف می‌شود. منظور از قدرت مادی نیز صرفاً نیروی نظامی نیست و مولفه‌هایی مانند جغرافیا، منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، آمادگی نظامی، جمعیت، روحیه ملی و کیفیت دیپلماسی دیگر عناصر قدرت را شکل می‌دهند (شیرخانی، ۱۳۹۱: ۶). انواع منافع ملی از دید واقع‌گرایان عبارتند از: ۱. منافع موازی:

<sup>۱</sup> Power politics

در این نوع منافع به رغم آنکه هر یک از طرفین در صدد تحصیل آن از طریق همکاری یا عدم همکاری با دیگران هستند، به بروز تعارض میان دولت‌های ذی نفع منبجر نمی‌شود. ۲. منافع متعارض: تحصیل این نوع منافع با مناقشه و ستیزش همراه بوده و اهداف متعارض هر یک از طرفین به منزله بی‌توجهی به خواست‌های دیگری تلقی می‌شود به گونه‌ای که امکان برقراری هر نوع توافقی میان دولت‌های ذی‌نفع از بین می‌رود و چنانچه عوامل برهم زننده تعادل سیستم مرتفع نشود، ممکن است دولت‌های معارض به مواجهه مستقیم نظامی علیه یکدیگر اقدام کنند. ۳. منافع مشترک: به آن دسته از منافع گفته می‌شود که یک دولت آن‌ها را به تنهایی تامین نمی‌کند و تحقق آن‌ها صرفاً از طریق همکاری و برقراری اتحادها با سایر واحدهای سیاسی امکان‌پذیر است. ۴. منافع اختلاف‌زا: این نوع منافع در مقایسه با منافع متعارض عمق کمتری دارند و معمولاً در حالتی ظاهر می‌شوند که هر یک از دولت‌ها درصد کسب مناطق نفوذ برای خود باشند (صادقی و همکاران: ۱۳۹۴، ۱۱۰-۱۰۹).

علاوه بر منافع ملی، واقع‌گرایان ضمن تأکید بر موضوع امنیت، معتقدند که چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند، قادر به انجام هیچ کاری نخواهد بود. تحت این شرایط نیروی نظامی کارآمد برای حمایت از دیپلماسی، سیاست خارجی و در نهایت تأمین امنیت ضروری است. براساس این رویکرد از آنجا که نمی‌توان از طریق سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل صلح برقرار کرد، بنابراین می‌بایست از تمهیداتی چون موازنه قدرت و بازدارندگی بهره جست (قوام، ۱۳۸۸: ۳۵۷). به عبارتی، آنها بر این اعتقادند که دولت‌ها نمی‌توانند برای بقای خویش به ضمانت دولت‌های دیگر متکی باشند، زیرا در سیاست بین‌الملل ساختار نظام اجازه اعتماد را نمی‌دهد. در نبود حکومت جهانی، همزیستی از طریق حفظ موازنه قدرت حاصل می‌شود. از اینرو، یکی از مفاهیمی که در چهارچوب واقع‌گرایی اسطوره‌سازی می‌شود، مفهوم آشوبزدگی یا نبود اقتدار مرکزی است. بنابراین تعقیب و کسب قدرت یک هدف منطقی و اجتناب‌ناپذیر سیاست خارجی به شمار می‌رود (قوام، ۱۳۹۳: ۸۳-۸۰). در همین رابطه، دولت‌ها در سطح حداقلی به دنبال محافظت

از خود و در سطح حداکثری به دنبال سلطه جهانی هستند. مطابق این دیدگاه، دولت‌ها در همه حال برای تامین بقای خود یا ایجاد سلطه بر سایر دولت‌ها مبارزه می‌کنند. سیاست بین دولت‌ها به عبارت دیگر، یک بازی چانه‌زنی مداوم بر سر توزیع و بازتوزیع منابع کمیاب است (شیرخانی، ۱۳۹۱: ۱۱). از آن جایی که دولت‌ها به هیچ اقتدار عالی‌ای پاسخگو نیستند، بنابراین باید خود به دنبال تأمین منافع و حفظ خویش در چارچوب اصل خودیاری باشند.

همچنین، به دلیل آنکه این جهان ذاتا دنیای منافع متضاد و تعارض میان این منافع است، هرگز نمی‌توان اصول اخلاقی را به طور کامل محقق کرد. اما از طریق توازن موقت منافع و حل و فصل مشروط تعارضات می‌توان به این اصول نزدیک شد. بنابراین، ملت-دولت‌ها برای رسیدن به اهداف خود می‌بایستی از تجارب تاریخی و نه از اصول انتزاعی بهره گیرند. زیرا هدف آن نه خیر مطلق بلکه شر کمتر است. از این منظر رویکرد واقع‌گرایی رویکردی تجربی و عمل‌گرا است و بر به کارگیری موثر و عاقلانه قدرت توسط کشورها با هدف تامین منافع ملی تاکید دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۹). به عبارتی، رهبران بازیگرانی عقلانی فرض می‌شوند که نسبت به تصمیمات خود حساس بوده و قبل از هرگونه اقدامی منافع و هزینه‌های آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (Waltz, 2003:13). در حقیقت، رفتار عقلایی به عنوان رفتاری که منافع ملی دولت‌ها را تأمین می‌کند، تعریف می‌شود. با توجه به مفروضات اشاره شده می‌توان استدلال کرد که سیاست روسیه در قبال ج.ا.ایران و عربستان سعودی و مدیریت تعارض موجود کاملا در چارچوب نظریه واقع‌گرایی قابل تبیین است. رهبران کرم‌لین به عنوان بازیگران خردمند با نگاه واقع‌گرایانه و پراگماتیستی سعی کرده‌اند تا روابط خود را با تهران و ریاض همزمان به گونه‌ای تنظیم کنند که ضمن حفظ و تامین منافع ملی، بقا، امنیت و قدرت روسیه را نیز در فضای آنارشیک نظام بین‌المللی افزایش داده و این کشور را به عنوان یک قدرت نوظهور معرفی نمایند.

## ۲. الزامات رابطه روسیه با ایران

### ۲-۱ مقابله با نظم موجود غرب محور

روسیه و ایران بر این اعتقادند که نظم بین‌المللی موجود کاملاً بر اساس منافع ایالات متحده آمریکا و متحدانش شکل گرفته است. لذا هر یک از آنها سعی دارند تا بر اساس انگیزه‌های متمایز و مختص به خود از طرق مختلف نظم مذکور را به چالش بکشند و آن را تضعیف نمایند. با توجه به خطرات و مشکلاتی که در راه دستیابی به این هدف وجود دارد و همچنین به دلیل قدرتمند بودن حریف و همپیمانانش، روسیه و ایران نیاز دارند تا برای پیشبرد مقصود خود، با دولت‌هایی وارد اتحاد شوند که همچون خودشان مخالف نظم مورد نظر آمریکا در عرصه روابط بین‌الملل باشند. بر همین اساس نیز روسیه و ایران به یکدیگر نزدیک شدند تا همکاری‌های خود را بر اساس این هدف مشترک آغاز نمایند ( Brands, 2018:1). روسیه قصد دارد با نزدیکی به ایران موازنه قوا را در منطقه خلیج فارس در برابر کشورهای عربی متحد آمریکا حفظ نماید (حسینی و ابوالحسینی، ۱۳۹۵ : ۱۸-۱۷). علاوه بر این مخالفت مسکو و تهران با مداخلات آمریکا در منطقه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی (Dannreuther, 2009: 6)، تنش‌های روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا بر سر اوکراین در سال ۲۰۱۴، مسکو را وادار به افزایش تماس‌ها با کشورهای خاورمیانه کرده است. مقامات روسی بر این باورند که روابط خوب با کشورهای خاورمیانه از جمله ایران تضمینی برای گریز روسیه از انزوای بین‌المللی و جبران تحریم‌های تحمیل شده از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و شرکای آنها خواهد بود. بطور کلی سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و خصومت‌ورزی این کشور علیه روسیه و ایران، در کنار منافع ژئوپلیتیکی دو کشور، شرایطی فراهم ساخته است تا مسکو و تهران مناسبات خود را توسعه بخشیده و همکاری‌های نزدیکی با یکدیگر داشته باشند.

## ۲-۲ فروش تسلیحات نظامی

در طول سال‌های گذشته پوتین ضمن تلاش برای بازآفرینی نفوذ سیاسی گذشته روسیه سعی کرده تا از طریق تاکید بیشتر بر منافع تجاری یعنی فروش اسلحه، انرژی (نفت و گاز) و کالاهای پیشرفته همچون راکتورهای هسته‌ای، این کشور را به عنوان رقیبی برای آمریکا و سلطه جهانی‌اش مطرح سازد (Borshchevskaya, 2016: 5). روسیه از توانمندی بالایی در حوزه تکنولوژی‌های نظامی و به تبع آن فروش تسلیحات برخوردار است و همواره سعی می‌کند تا از این قابلیت منفعت بالایی را نصیب خود کند. در همین رابطه خاورمیانه و شمال آفریقا دومین مقصد مهم روسیه در حوزه صادرات تسلیحات محسوب می‌گردد که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶، ۱۷/۸ درصد از کل صادرات تسلیحات این کشور به منطقه فوق‌الذکر تعلق داشته است. این بازار شامل خریداران قدیمی از جمله عراق، سوریه، مصر، یمن و خریداران جدید همچون الجزایر، ایران و امارات متحده عربی می‌شود (Connolly and Sendstad, 2017:16). در این میان در سال‌های اخیر ایران به عنوان یکی از شرکای آینده دار و مهم در حوزه تجارت تسلیحات مورد توجه روسیه قرار گرفته است، به گونه ای که در سال ۲۰۱۵ ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه فرمان لغو ممنوعیت داخلی که به موجب آن ارسال سیستم دفاع موشکی S300 به ایران امکان پذیر نبود را امضا کرد؛ و این موضوع به نقطه عطفی در روابط دو کشور تبدیل شد. با وجود این که همچنان ممنوعیت‌های مربوط به تجارت اسلحه بین دو کشور در مقیاس گسترده وجود دارد، اما طبق مصوبه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل این ممنوعیت در سال ۲۰۲۰ از میان خواهد رفت (Borisov, 2018: 2). لذا روسیه از هم اکنون مترصد فرصت‌های بیشتری است تا بتواند سود حاصل از تجارت تسلیحات با ایران را افزایش دهد.

## ۲-۳ بهره‌برداری از موقعیت ترانزیتی ایران

ایران به عنوان تنها راه دسترسی آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد از اهمیت فراوانی برای روسیه برخوردار است. نزدیکی خاک دو کشور باعث شد تا پروژه‌های مشترک



در زمینه حمل و نقل مورد توجه قرار گیرد؛ که مهم‌ترین این طرح‌ها کریدور حمل و نقل شمال - جنوب است. این مسیر قرار است کالا را از طریق خاک روسیه و سپس ایران به آسیای جنوبی و جنوب شرقی انتقال دهد. این امر برای روسیه بسیار سودمند است، چرا که این طرح‌ها روسیه را به عنوان کشور ترانزیت کالاهای اروپایی و آسیایی در موقعیت مناسبی قرار خواهد داد (خاشع، ۱۳۸۹). کریدور شمال - جنوب نه تنها هند و روسیه یا ایران و روسیه را به هم وصل می‌کند بلکه کشورهایمانند سوئد و فنلاند را نیز از طریق خط‌آهن منطقه بالتیک به روسیه و سپس ایران را به جنوب آسیا ارتباط خواهد داد. این طرح، بسیاری از هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات را میان این کشورها کاهش می‌دهد و منافع مشترکی را در این مدار مشترک ایجاد خواهد کرد (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۵/۱۸). در همین ارتباط، روسیه در سال ۲۰۱۸ اعلام نمود که حاضر است یک خط اعتباری ۳ میلیارد یورویی برای کریدور شمال - جنوب ایران اختصاص دهد (دیپلماسی ایرانی ۲۹ آبان ۱۳۹۷). البته در حال حاضر تحقق سریع و عملیاتی کردن این کریدور بین‌المللی به دلیل سیاست‌های خصمانه دولت آمریکا و ایجاد موانع گوناگون از سوی این کشور با چالش‌هایی مواجه شده است. با این وجود، در صورت ایجاد این مسیر ترانزیتی بین‌المللی در آینده می‌توان شاهد همگرایی بیشتر ایران و روسیه بود و بستر برای همکاری‌های مختلف دو کشور در سطوح عالی‌تر فراهم خواهد گشت.

## ۲-۴ نقش ایران در حفظ ثبات و امنیت در خارج نزدیک

نقش ایران در مقابله با افراط‌گرایی اسلامی و جریان‌های جدایی‌طلب و همچنین کنترل منازعات منطقه‌ای در آسیای مرکزی برای روسیه حائز اهمیت است. به عبارتی، روسیه ایران را یک قدرت منطقه‌ای در نظر می‌گیرد که می‌تواند به ثبات و امنیت در «خارج نزدیک» کمک کند. ایران در منازعات حوزه نفوذ سنتی روسیه، مانند قفقاز جنوبی، در جنگ قره باغ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، فعالانه به عنوان میانجی و صلح‌ساز وارد عمل شد و حتی توانست تا حدی از شدت این منازعه بکاهد. پیش از این نیز جهت-

گیری ایران در جنگ دوم چین در سال ۱۹۹۹ برای دولت روسیه بسیار ارزشمند بود (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). زیرا در آن مقطع مهم‌ترین چالش امنیتی، مساله جدایی-طلبی و افراط‌گرایی اسلامی مربوط به جمهوری خودمختار چین بود.

ایران به عنوان یک کشور بزرگ مسلمان، نخست، نقش بسیار مهمی در عادی جلوه دادن حضور نظامی روسیه در چین و مهار جنبش ملی آن ایفاء نمود. سپس با توجه به این که در آن مقطع ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را بر عهده داشت از نقش موثر خود برای توجیه اقدامات دولت روسیه در چین استفاده کرد. در حالی که روسیه به دلیل اقدامات خود در چین، هدف محکومیت‌ها و انتقادات فراوانی از سوی سایر کشورهای جهان اسلام قرار گرفته بود (Vatanka, 2017:4). بطور مثال، عربستان سعودی، جنگ چین را یک حمله غیر انسانی بر علیه مسلمانان توصیف کرده بود (Dannreuther, 2009: 2).

علاوه بر مسائل تجزیه طلبانه، رادیکالیسم و تروریسم از دیگر تهدیدات محیط پیرامونی و خارج نزدیک روسیه محسوب می‌گردد. در همین رابطه می‌توان بیان داشت که ظهور جنبش‌های افراطی و تروریستی یکی از پیامدهای ناشی از اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی بوده است که امنیت کشورهای منطقه را با تهدید مواجه ساخت. در همین رابطه، روسیه و ایران از جمله کشورهایی هستند که وجود گروه‌های افراط‌گرا در آسیای مرکزی و قفقاز را تهدیدی جدی علیه منافع خود قلمداد می‌کنند. بر همین اساس مبارزه با افراط‌گرایی به یکی از حوزه‌های مشترک همکاری بین دو کشور تبدیل شده است (Mousavi, 2017). از جمله همکاری‌های روسیه با ایران در زمینه مقابله با افراطی‌گری می‌توان به سیاست‌های هماهنگ دو کشور در رابطه با اسلام‌یون تاجیکی در آسیای مرکزی اشاره داشت. در انعقاد توافقنامه صلح بین اسلام‌یون تاجیکی و حکومت تاجیکستان، روسیه به همراه ایران نقش مهمی ایفاء نمودند. به عبارتی، ضمانت اجرای این توافقنامه به عهده این دو کشور بود. در این بین نقش ایران بسیار حائز اهمیت بود. زیرا ناظران ایرانی به طور پیوسته اجرای توافق-نامه‌های به دست آمده را کنترل کرده و اجازه ندادند تا حکومت سکولار بر اسلام‌یون فشار مضاعفی را وارد کند. چون این موضوع می‌توانست اسلام‌یون تاجیکی را به افراطی‌گری سوق

داده و منجر به نزدیکی آنها با گروهک‌های تروریستی آسیای مرکزی شود (محمودی و لطیف اف، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۷). روسیه از پتانسیل ایران و همچنین آذربایجان برای مبارزه با تروریسم در قفقاز و جلوگیری از بنیادگرایی در این منطقه نیز استفاده می‌کند. در واقع، پوتین معتقد است مسکو، تهران و باکو اصول پرهیز از معیارهای دوگانه در مبارزه با تروریسم را ترویج می‌کنند. بر همین مبنا، روسیه، ایران و جمهوری آذربایجان مذاکرات گسترده‌ای را آغاز کرده و همکاری‌های نزدیکی را شکل داده‌اند (زرگر و سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۶). بطور کلی، با توجه به جمعیت مسلمان دو کشور روسیه و ایران، رادیکالیسم دینی و افراط‌گرایی اسلامی یک چالش امنیتی مشترک برای هر دو کشور بحساب می‌آید که مقابله با آن مستلزم همکاری مسکو و تهران در حوزه‌های مختلف بویژه سیاسی و اطلاعاتی است. در همین راستا، طی سال‌های گذشته دو کشور تلاش کرده‌اند تا اقدامات هماهنگی را جهت مقابله با این پدیده، که اکنون شکل پست مدرن بخود گرفته است، اتخاذ نمایند.

## ۲-۵ نیاز روسیه به ایران جهت حضور در خاورمیانه

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در حفظ ثبات و امنیت منطقه خاورمیانه و سیاست‌های غرب ستیزی این کشور به‌مراه مخالفت آن با اسلام رادیکال و تروریسم شرایطی فراهم ساخته است تا روسیه به این جمع‌بندی برسد که جهت حضور در خاورمیانه نیازمند همکاری با ایران است. با وجود این که روسیه یک قدرت بزرگ جهانی است، با این حال برای حضور در منطقه و تامین منافع ملی خود نیازمند متحدین قدرتمندای نظیر ایران است. تهران علاوه بر دارا بودن از عمق استراتژیک در خاورمیانه، از ظرفیت‌های هویتی، استراتژیکی و ژئوپلیتیکی برخوردار است که روسیه می‌تواند، در صورت همکاری با ایران، از آنها جهت تامین منافع خود استفاده نماید.

بدون تردید دو رویداد بسیار مهم یعنی وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱ و الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ از جمله عوامل کلیدی نزدیکی بیش از پیش روسیه به ایران و گسترش همکاری‌های دوجانبه آنها در خاورمیانه محسوب می‌شوند. در جریان

خیزش موسوم به بهار عربی، روسیه از این مساله واهمه داشت که دولت‌های غربی با همکاری دولت‌های عرب هم‌پیمان آمریکا از تحولات مذکور در منطقه به نفع خود بهره برده و بر منطقه مسلط شوند. بنابراین روس‌ها سیاست نزدیکی به ایران را، به عنوان یکی از قدرت‌های مهم منطقه‌ای، در پیش گرفتند (Vatanka, 2017: 7-8) تا مانع از تغییر موازنه قدرت و وضع موجود شوند. در این بین مساله سوریه و حفظ بشار اسد در راستای تامین منافع ملی هر دو کشور نقش مهمی در نزدیکی مسکو و تهران ایفاء نمود.

علاوه بر این، آنچه که سبب برجسته‌تر شدن نقش ایران به عنوان بازیگری کلیدی در سیاست خارجی روسیه شد این بود که پس از فقدان آشکار استراتژی مشخص از جانب آمریکا و غرب در منطقه خاورمیانه و در نتیجه خلاء قدرت، جمهوری اسلامی ایران بدون نیاز به انجام هرگونه عملیات بزرگ نظامی به عنوان رهبر جدید منطقه ظهور کرد. از طرفی مسائل و مشکلات داخلی در مصر، ترکیه و عربستان سعودی نیز سبب شد تا روسیه تمایل بیشتری به برقراری رابطه نزدیک با ایران داشته باشد (Belobrov and the et al, 2014: 33-34). اکنون روسیه جمهوری اسلامی ایران را کشوری محسوب می‌کند که نه مانند قرن نوزدهم در حوزه نفوذ بریتانیا و روسیه قرار دارد و نه همانند سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ تحت نفوذ آمریکاست. بلکه کشوری مستقل است که نفوذ آن از مدیترانه تا افغانستان ادامه دارد و روسیه صرف‌نظر از این که چه دولتی در ایران قدرت را در اختیار داشته باشد به این کشور نیاز دارد. مسکو به خوبی آگاه است که اگرچه ایران تنها دولت غیرعرب منطقه است که در میان کشورهای عربی احاطه شده است، اما مسائل منطقه بدون جلب نظر ایران حل نمی‌شوند. (عطری، ۱۳۹۶). اوج همکاری دو طرف و همچنین جایگاه ویژه ایران در سیاست خارجی روسیه کاملاً در زمینه بحران سوریه مشهود است. ذکر نام ایران در دکترین سیاست خارجی جدید روسیه، برای نخستین بار، نیز مبین ادراکات جدید نخبگان سیاسی مسکو و اتخاذ رویکرد مبتنی بر همگرایی منطقه‌ای آن کشور در رابطه با ایران می‌باشد.

### ۳. الزامات رابطه روسیه با عربستان سعودی

توسعه مناسبات و همکاری با عربستان سعودی به عنوان دیگر بازیگر مهم منطقه از اهمیت فراوانی برای روسیه برخوردار است. در این بخش به مهمترین دلایل توجه مسکو به عربستان اشاره خواهد شد تا جایگاه و وزن ژئوپلتیکی این کشور تبیین گردد.

#### ۳-۱ کنترل بازار جهانی انرژی

روسیه یکی از بزرگترین کشورهای تولید کننده نفت و گاز جهان است. این کشور دارای ۴۴۰ میلیون تن منابع نفتی است و در حوزه ذخایر گاز نیز رتبه اول در سطح جهان را به خود اختصاص داده است (Xing and Yuan, 2010 : 89-90). صادرات نفت و گاز ۶۸ درصد از کل صادرات روسیه را تشکیل می‌دهد؛ که سود تولید نفت خام و فرآورده‌های مربوط به آن چیزی حدود ۴ برابر بیش از گاز طبیعی است (Wile, 2014). بر اساس اطلاعات گمرک روسیه درآمد این کشور از فروش نفت و گاز در سال ۲۰۱۸ بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار بوده است (ایرنا، ۱۶/۹/۱۳۹۷). لذا صادرات منابع فسیلی نقش مهمی در تامین منابع ارزی این کشور دارد.

از طرفی بر اساس آمار اوپک، عربستان سعودی نیز ۱۸ درصد از ذخایر نفت جهان را دارا است و به عنوان بزرگترین کشور صادرکننده نفت در رتبه اول این جدول آماری قرار می‌گیرد. بخش نفت و گاز حدود ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی عربستان و حدود ۸۵ درصد از درآمد صادراتی آن را تشکیل می‌دهند (Perifanis, 2018: 20). بنابراین، روسیه و عربستان به عنوان غول‌های نفتی جهان شناخته می‌شوند که تصمیمات آنها در این حوزه بسیار حائز اهمیت و تاثیرگذار است. بطور مثال، در می ۲۰۱۷ طرفین تلاش‌های دو جانبه و مشترکی را به منظور کاهش تولید نفت و به تعادل رساندن قیمت آن در سطح بازار جهانی آغاز نمودند و نهایتاً نیز در کنفرانس انرژی در مسکو موافقت کردند تا کاهش سقف تولید نفت تا پایان سال ۲۰۱۸ ادامه یابد (Holodny, 2017). بنابر گفته شبکه الجزیره در حال حاضر روسیه و عربستان بجای توافق‌های سالانه بدنبال یک ائتلاف بلند

مدت ۱۰ تا ۲۰ ساله جهت کنترل بازار نفت و ایجاد ثبات در آن می‌باشند (Aljazeera, 28 Mar 2018). بطور کلی، در سال‌های اخیر علی‌رغم اختلاف دیدگاه دو کشور در رابطه با بحران‌های منطقه‌ای بویژه در مورد سوریه و مسائل ایران، مسکو و ریاض همکاری‌های خود را در زمینه نفت و حفظ قیمت آن آغاز کردند که برآیند آن تاکنون افزایش قیمت نفت بوده است (Soldatkin and Golubkova, 2017). آنچه که مسلم است این موضوع است که مسکو بین راهبردهای منطقه‌ای و نظامی خود و همکاری‌های اقتصادی تفکیک قائل شده و همواره سعی کرده است با وجود تعارض منافع در حوزه‌های استراتژیکی، از ظرفیت‌های کشورهای نظیر عربستان در زمینه تنظیم بازار جهانی نفت بهره‌برداری نماید. در واقع همکاری مسکو و ریاض در حوزه انرژی یک بازی برد-برد می‌باشد که هم تامین‌کننده نیازهای مالی روسیه است و هم می‌تواند منابع مالی لازم را برای برنامه اصلاحات چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان فراهم کند.

### ۳-۲ نفوذ عربستان در جهان اسلام و مساله مبارزه با تروریسم

با توجه به جمعیت حدود بیست میلیونی مسلمان روسیه، اسلام به متغیر مهمی در سیاست روسیه تبدیل شده است. اسلام در این کشور به سادگی می‌تواند به زمینه‌ای برای بروز اعتراضات اجتماعی و ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی تبدیل شود. مقامات روسی از رویارویی با چنین بحرانی واهمه دارند. بنابراین نهایت تلاش خود را به منظور جلوگیری از وقوع آن به کار می‌گیرند (Malashenko, 2013:3-4). عربستان به دلیل برخورداری از امکان مقدس مکه و مدینه و همچنین دلار نفتی قادر گشته است تا در کشورهای مسلمان منطقه و جهان، از جمله روسیه، نفوذ فراوانی پیدا کند (Soage, 2015: 4). بنابراین، از دیدگاه مسکو، تعامل با عربستان، از نظر پاسخ به مطالبات داخلی مسلمانان روسیه حائز اهمیت است. مسکو تلاش می‌کند با گسترش رایزنی‌ها با عربستان سعودی بستر آرام و کنترل شده‌ای را برای همکاری ایجاد و از این طریق، نه تنها برای جمعیت مسلمان خود بلکه برای کل کشور ظرفیت سازی نماید. روس ها متوجه بخش مخرب و اخلال‌گر اندیشه

وهایی و جریان تکفیر و افراط، که منبعث از مراکز فکری و مدارس دینی کشور عربستان می‌باشد، هستند و تلاش دارند به صورت هدفمند این بخش را تحت کنترل درآورند. ارزیابی روس‌ها این است که با ایجاد پیوندهای اقتصادی و تجاری، گرایش‌های سیاسی نیز به یکدیگر نزدیک شده و نهایتاً نهادهای فکری و دینی عربستان از آزادی عمل محدودتری در مسیر جهت‌گیری‌های ضد روسی برخوردار خواهند بود (حسینی، ۱۳۹۵: ۱). تحقق این موضوع به معنای آرامش بیشتر در مناطق مسلمان نشین آسیای مرکزی، قفقاز و داخل مرزهای روسیه می‌باشد.

علاوه بر این، روس‌ها از این موضوع نیز نگران هستند که برخی نیروها در خاورمیانه در تلاشند تا روسیه را بنوعی به عنوان دشمن اسلام معرفی کنند و بدین ترتیب گروه‌های سیاسی تندرو را در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب تحریک کنند تا از گروه‌های رادیکال در قفقاز و آسیای مرکزی حمایت کنند (Kozhanov, 2018:5). در حقیقت، روس‌ها پیوند بسیار قوی بین رشد اسلام‌گرایی افراطی در منطقه خاورمیانه و تقویت جریان‌های اسلامی در قفقاز شمالی می‌بینند. از منظر دولت روسیه، تقویت فضای اسلامی در این منطقه می‌تواند منجر به تشدید مشکلات در این کشور و افزایش حملات تروریستی از سوی گروه‌های جدایی‌طلب در قفقاز شمالی شود (اطهری و بهمن، ۱۳۹۰: ۵۸) از طرفی ناظران معتقدند فعالیت‌های گروه تروریستی داعش که یکی از مطرح‌ترین گروه‌های افراط‌گرای اسلامی در منطقه است قابلیت گسترش یافتن به مرزهای روسیه و منطقه قفقاز شمالی را دارد و می‌تواند منافع سیاسی و نظامی روسیه در خاورمیانه، آسیای مرکزی و دیگر نقاط را تحت الشعاع قرار دهد. عضویت حدود ۱۷۰۰ شهروند روسیه در گروه‌های بنیادگرای مستقر در خاک سوریه که به گفته‌ی رئیس سرویس مخفی روسیه این رقم بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ دو برابر شده است، مقامات این کشور را درباره احتمال به خطر افتادن امنیت داخلی روسیه در صورت بازگشت این شهروندان نگران کرده است (Souleimanov and et al, Fall 2017). شهروندانی که بطور قطع بدنبال ایجاد دموکراسی نمی‌باشند (Naumkin, 2013). لذا برای مقابله با این پدیده، یکی از

سازوکارهایی که روسیه تاکنون اتخاذ کرده است نزدیک شدن به کشورهای مسلمان خاورمیانه است تا از تاثیرگذاری آنها بر مسلمانان خارج نزدیک بکاهد. در همین راستا، در سال ۲۰۱۷ در مذاکرات بین مقامات روسی و سعودی، طرفین بر اساس اصول جهانی حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و بدون تبعیت از استانداردهای دوگانه بر مبارزه قاطع علیه تروریسم و ایدئولوژی‌های افراطی که تروریسم از آنها تغذیه می‌کند، تاکید کردند. همچنین رویکردهای مشترک دو کشور برای مبارزه علیه داعش و سایر گروه‌های مطرح تروریستی و همچنین ابعاد منطقه‌ای این تهدیدات به خصوص در خاورمیانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان نیز طرفین توافق کردند تا همکاری و مناسبات خود در جهت مبارزه با تروریسم را بیش از پیش گسترش بدهند (The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 2017). بنابراین بنظر می‌رسد که به دلیل تهدیدات امنیتی ناشی از تروریسم و افراط‌گرایی، مسکو تمایل شدیدی جهت همکاری با عربستان دارد که منشا ترویج رادیکالیسم اسلامی محسوب می‌گردد.

### ۳-۳ اهمیت اقتصادی و تجاری عربستان

در حالی که ریاض به دنبال تنوع بخشی به شرکای اقتصادی خود است، روسیه خود را در یک انزوای اقتصادی می‌بیند که توسعه مناسبات راهی جهت خروج از این انزوا می‌باشد (Aljazeera, 28 Mar 2018). عربستان سعودی بلحاظ اقتصادی و تجاری برای روسیه حائز اهمیت می‌باشد و روسیه تلاش دارد تا برخی از نیازهای خود را از طریق توسعه روابط با عربستان مرتفع سازد. در همین ارتباط، شورای بازرگانی سعودی-روسی در سال ۲۰۰۵ با هدف توسعه همکاری‌ها در زمینه کسب و کار سطوح کوچک و متوسط در دو کشور ایجاد شد. همکاری‌های اولیه در سال ۲۰۰۷ زمانی که پوتین از ریاض بازدید کرد، شکل گرفت. این دیدار به قراردادهای مختلفی در زمینه تولید انرژی، فضا (ارسال ماهواره)، زیرساخت‌های ارتباطی، تولید برق هسته‌ای و متالوژی منعقد شد و نهایتاً نیز همکاری‌ها در



زمینه نظامی و فنی تقویت گردید (Kosach and Melkumyan, 2016:5-6). اما در سال‌های اخیر مسکو با هدف کاهش تاثیرات منفی تحریم‌هایی که غرب پس از بحران کریمه بر علیه این کشور اعمال نمود، مناسبات خود را با ریاض بیش از گذشته توسعه بخشید. اهمیت عربستان را می‌توان در چند بعد مورد بررسی قرار داد. نخست دستیابی به تکنولوژی غرب: به این معنا که مقامات روس معتقدند که همکاری فعال اقتصادی و انجام پروژه‌های مشترک با کشورهای خاورمیانه از جمله عربستان می‌تواند به روسیه در دستیابی به تکنولوژی و تجهیزات مربوط به حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و سایر حوزه‌های فناوری که دسترسی به آنها به واسطه تحریم‌های غرب محدود شده است، کمک کند. دوم، اهمیت منابع مالی عربستان جهت سرمایه‌گذاری در روسیه می‌باشد. در همین راستا در سال ۲۰۱۵ صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه به انعقاد قراردادی با صندوق سرمایه‌گذاری کل عربستان سعودی و همچنین انعقاد یک توافق‌نامه همکاری با اداره کل سرمایه‌گذاری این کشور مبادرت ورزید. از سال ۲۰۱۷ نیز صندوق سرمایه‌گذاری روسیه قراردادهای یادداشت‌های تفاهمی را درباره همکاری با بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری در عربستان سعودی، بحرین، کویت، قطر و امارات امضا کرد. در آوریل سال ۲۰۱۷ «والنتینا ماتوینکو» سخنگوی اتاق بازرگانی پارلمان روسیه اعلام کرد که عربستان سعودی در نتیجه این توافقنامه بیش از ۶۰۰ میلیون دلار در اقتصاد روسیه سرمایه‌گذاری کرده است و همچنین اظهار داشت که تا سال ۲۰۱۸ دو کشور شروع به اجرای چندین پروژه مهم به ارزش ۳ میلیارد دلار می‌کنند. در حال حاضر مقامات روسیه خواهان مشارکت سعودی‌ها در پروژه‌هایی هستند که هدف آنها توسعه ظرفیت تولید گاز مایع طبیعی و ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک برای تحقیق، طراحی و تولید تجهیزات نفت و گاز است (Kozhanov, 2018: 14-15). در مقابل نیز صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه به همراه کمپانی «سیپرو»، که از جمله کمپانی‌های پیشرو در حوزه گاز و پتروشیمی در روسیه محسوب می‌شود، توافقنامه‌ای را با کمپانی آرامکو در عربستان سعودی منعقد کردند (Dubovikova, 2017).

نتیجه تلاش مشترک صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه و صندوق سرمایه‌گذاری کل عربستان سعودی تاکنون به سرمایه‌گذاری یک و نیم میلیارد دلاری در زمینه‌های پتروشیمی، انرژی، تدارکات، حمل و نقل، زیرساخت‌ها، تولیدات صنعتی و املاک و مستغلات منجر شده است (Sen, 2018). انتظار می‌رود با افزایش میزان سرمایه‌گذاری و همکاری میان شرکت‌های تجاری دو کشور، روابط اقتصادی میان عربستان و روسیه بیش از قبل تقویت شود. روسیه همچنین تلاش دارد تا از ظرفیت‌های مالی بانک‌های اسلامی عربستان جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی خود بهره‌برداری نماید. علاوه بر این مسکو در صدد است تا با حمایت از صنعت توریسم خود توریست‌های عربستانی را، که تمایلی فراوانی به ولخرجی و صرف پول دارند، جذب نماید. همچنین در سال‌های اخیر عربستان به بنوعی به قطب صادرات محصولات کشاورزی و همچنین دامی روسی در آسیا و آفریقا تبدیل شده است و روسیه صادرات این محصولات را از سال ۲۰۱۷ بطور چشمگیری به این کشور افزایش داده است. سعودی‌ها میل دارند تا با خرید محصولات کشاورزی روسی نه تنها برای خود؛ بلکه برای رفع نیازهای همسایگان آسیایی و آفریقایی خود، به کانون صادرات مجدد محصولات کشاورزی روسیه تبدیل شوند.

### ۳-۴ فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی

روسیه با ساخت و تولید مقادیر زیادی از سخت افزارهای نظامی پس از آمریکا جایگاه دومین صادر کننده بزرگ جهان در این حوزه را از آن خود کرده است (Nye, 2017). از طرفی عربستان نیز به عنوان یکی از بزرگترین خریداران تسلیحات نظامی در جهان شناخته می‌شود. این کشور در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۹۱ میلیارد ریال (۵۱ میلیون دلار) یعنی ۲۱ درصد از بودجه خود را به هزینه‌های نظامی اختصاص داده است. با وجود این که عربستان سعودی بالاترین میزان تجارت خود را همواره با آمریکا داشته، اما تحرکات اخیر گویای آن است که این کشور به دنبال ایجاد تنوع در شرکای تجاری خود می‌باشد (Alkhalisi, 2017). در اکتبر سال ۲۰۱۷ سلمان بن عبدالعزیز آل سعود، نخستین پادشاه سعودی بود

که از کشور روسیه دیدن کرد که در نتیجه آن پوتین و سلمان علاوه بر موافقت درباره سرمایه‌گذاری مشترک چند میلیاردی، یک بسته از اسناد مربوط به حوزه انرژی، تجارت و دفاع را نیز امضا نمودند (9-10: Borshchevskaya, 2017). علاوه بر آن نیز، یادداشت تفاهمی مبنی بر همکاری روسیه با عربستان به منظور توسعه صنایع نظامی سعودی‌ها امضا شد (6: Hardy, 2017). بر اساس برنامه اصلاحات ۲۰۳۰، عربستان بدنال ایجاد صنعت ملی دفاعی کشور است. به همین جهت بازار صنایع دفاعی عربستان برای سرمایه‌گذاران همه کشورها از جمله روسیه باز می‌باشد. بنابراین روسیه تلاش می‌کند تا با ورود به بازار صنایع دفاعی عربستان برای خود درآمدزایی کند. توسعه همکاری نظامی و فنی باعث خواهد شد تا دو کشور مناسبات خود را در سایر حوزه‌ها نیز توسعه ببخشند.

#### ۴. مدیریت تعارض رابطه ایران - عربستان

##### ۴-۱ جایگاه منطقه‌ای ایران و مساله سوریه

طی سال‌های گذشته روسیه بدنال یک شریک بانفوذ و مطمئن در منطقه در راستای افزایش حضور و تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود بوده است. پیش از آغاز تحولات موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی در خاورمیانه، ایران موفق شده بود با تقویت توانمندی‌های داخلی خود، افزایش نفوذ و کسب پیروزی‌های متعدد در جنگ‌های نیابتی ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ با اسرائیل به یک کنشگر تاثیرگذار و قدرتمند در منطقه تبدیل شود. اما با شروع تحولات بهار عربی، محیط پیرامونی بیش از گذشته برای توسعه عمق استراتژیک و افزایش قدرت ایران فراهم گشت. بنابراین مسکو سعی کرد تا در برقراری و حفظ روابط خود با تهران به صورت فعال تری عمل نماید. در این میان مواضع نزدیک دو طرف در قبال بحران خاورمیانه بویژه مساله سوریه، که هر دو کشور از راه حل‌های سیاسی مسالمت‌آمیز برای حل و فصل درگیری در این کشور حمایت می‌کردند (Belobrov and et al, 2014: 33)، زمینه‌های همکاری مشترک بیش از پیش آنها را فراهم ساخت. اگرچه اهداف و انگیزه‌های روسیه و ایران از حضور در سوریه با یکدیگر متفاوت است، اما اولویت‌های فعلی

آنها یکسان و مشابه است. روسیه و ایران حفظ حکومت اسد و نجات نهادهای دولتی باقیمانده در سوریه را مطابق منافع خود می‌بینند و مخالف «سومالیزه کردن»<sup>۱</sup> یا به عبارتی تجزیه این کشور می‌باشند.

یکی از دلایل کلیدی مسکو برای پشتیبانی از حکومت اسد مقابله با غرب و تلاش برای احیای جایگاه پیشین روسیه به عنوان یک قدرت تاثیرگذار در عرصه معادلات جهانی است. در همین زمینه «آلکسی وروبیوف» تحلیلگر روسی بیان می‌کند: از نظر کرملین، بحران سوریه کشمکش ایران و روسیه نبوده، بلکه این کشمکش روسیه با غرب است و این پیام ساده و آشکار را به داخل و خارج منعکس می‌کند که ما قدرتمند هستیم و از هیچ قدرتی باک نداریم (Grandviewinkiev.com, 17/4/2013). اما برای تهران نجات حکومت اسد دلایل متفاوت دیگری دارد و آن کسب جایگاه والاطر و حفظ موقعیت خود در منطقه است. در همین راستا علی اکبر ولایتی اظهار داشته است: ایران و روسیه در کنار حمایت از اسد منافع خاص خود را در سوریه دنبال می‌کنند. مسکو و تهران به این فهم مشترک رسیده‌اند که برای تامین منافع خود در سوریه نیازمند همکاری با یکدیگر هستند. به همین دلیل نیز اتحادی را شکل دادند تا در سایه آن هر یک بتواند اهداف خود را با تلاش‌های مشترک محقق سازد (Dutkiewicz & Kozhanov, 2016: 12-13).

اما روابط نزدیک روسیه با ایران و همکاری‌های دو کشور در زمینه مسائل منطقه‌ای به منزله نوعی بی‌توجهی از جانب روس‌ها نسبت به خواسته‌های عربستان سعودی تلقی می‌شود. به همین دلیل، ریاض نسبت به حمایت‌های بی‌دریغ سیاسی - نظامی مسکو از بشار اسد، به عنوان متحد اصلی ایران، آزرده خاطر است. هرچند پس از توافقات اخیر میان روسیه و عربستان سعودی، ریاض فشار خود مبنی بر برکناری اسد را کاهش داده، اما کماکان مخالف هرگونه حضور ایران در سوریه است. در همین ارتباط بن سلمان در سال ۲۰۱۷ در کاخ کرملین اظهار داشت: امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

<sup>۱</sup> Somalization

مستلزم جلوگیری از دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه است (Kaura, 2017:2). این اظهارات مبین موضع قاطعانه ریاض نسبت به حضور ایران در خاورمیانه است؛ که در راستای منویات رژیم صهیونیستی نیز قرار دارد.

علیرغم وجود اختلافات گسترده میان تهران و ریاض، روسیه رویکرد خود را مبتنی بر حفظ و توسعه روابط با هر دو کشور قرار داده است. پوتین بخوبی آگاه است که همکاری با هر یک از طرفین نارضایتی طرف دیگر را به همراه دارد. اما به نظر می‌رسد آنچه وی برای رفع این تعارض روی آن حساب کرده است، ترس عربستان و ایران از نتایج قطع ارتباط با مسکو است. در واقع هر یک از طرفین پیش‌بینی می‌کنند در صورتی که روابط خود را با مسکو قطع نمایند، طرف دیگر که رقیب آنها محسوب می‌شود از ادامه رابطه با روسیه بیش از پیش منتفع می‌گردد و همین امر به آنها انگیزه می‌دهد تا در چنین رابطه‌ای باقی بمانند (Katz, 2018). بر همین مبنا بوده که ملک سلمان در دیدار با پوتین از طرح ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه استقبال کرد. در حالی که پیش از این، سعودی‌ها به دلیل حضور ایران در این طرح، با آن مخالفت کرده بودند. همچنین، پادشاه عربستان در مسکو هیچ بحثی در مورد این که «اسد باید برود» مطرح نکرد، در حالی که سعودی‌ها در سال‌های گذشته پافشاری‌های زیادی بر این موضوع کرده و در همین راستا نیز حمایت‌های مادی و معنوی گسترده‌ای از مخالفان اسد به عمل آوردند. البته در مقابل، روس‌ها نیز از تلاش‌های عربستان سعودی در راستای یکپارچه‌سازی گروه‌های شورشی متعدد در سوریه برای فراهم ساختن مسیر مذاکرات صلح جهت پایان‌دادن به جنگ در سوریه حمایت کردند (شاپوری، ۱۳۹۶:۱)، تا بدین طریق بتوانند توازن میان روابط خود با عربستان سعودی و ایران را به صورت توأمان حفظ نمایند. به عبارتی در زمینه بحران سوریه، مسکو تلاش کرده است که همزمان از ظرفیت‌های تهران و ریاض استفاده نماید. اما با توجه به این که منافع روسیه مستلزم حمایت از اسد و مداخله نظامی ایران در آن کشور بوده، در این زمینه سیاست‌های هماهنگی را با تهران در پیش گرفتند.

#### ۴-۲ تقابل جبهه مقاومت با ائتلاف عربی - عبری

پیوندهای ایدئولوژیکی، سیاسی و نظامی ایران و حزب‌الله لبنان سبب همکاری‌های منطقه‌ای دو طرف در طول دهه‌های گذشته شده است. در حال حاضر حزب‌الله یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارنده جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات بالقوه و بالفعل اسرائیل، آمریکا و هم‌پیمانان آنها در منطقه خاورمیانه محسوب می‌گردد (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۵). اما طی سال‌های اخیر روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی اسرائیل برخلاف آنچه در گذشته میان آنها جریان داشت، شکل مسالمت‌آمیزی به خود گرفته است. در واقع دو طرف بر اساس منافع امنیتی مشترک به یکدیگر نزدیک شده‌اند که عمدتاً ناشی از احساس تهدید از جانب ایران می‌باشد. شکل‌گیری ائتلاف عبری-عربی در حالی صورت می‌گیرد که ایران به عنوان رهبر محور مقاومت همواره از مبارزه و ایستادگی در برابر رژیم اسرائیل سخن گفته و بر همین مبنا نیز روابط نزدیک ریاض با تل‌آویو را مورد انتقاد شدید قرار داده است.

واقعیت آن است که قدرت فزاینده تهران در سراسر منطقه خاورمیانه برای عربستان سعودی و اسرائیل عامل تهدید کننده‌ای محسوب می‌شود. بویژه آن که ایران با کمک روسیه، حزب‌الله و دیگر شبه نظامیان، با حفظ فشار اسد در ساختار قدرت سوریه، توانسته است حضور نظامی خود را در نزدیکی مرزهای اسرائیل رسمیت بخشد؛ که این موضوع برای سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها خطرناک قلمداد می‌گردد (Fragnerova, 2018: 41-42). با توجه به وضعیت حساس فعلی بین رقبای منطقه‌ای، این سوال مطرح می‌شود که روسیه چگونه می‌تواند از سد چنین اختلافاتی گذر کند و روابط خود را با سه کشور ایران، عربستان و اسرائیل مدیریت نماید. در همین زمینه «فتودور لوکیانف» سردبیر معتبرترین مجله سیاست خارجی روسیه اظهار می‌دارد: پوتین یک عملگرا است و می‌داند که اسرائیل نسبت به حضور ایران در نزدیکی مرزهای خود احساس نارضایتی می‌کند. اما با این حال او نمی‌تواند اجازه دهد تا دستاورهای حاصل از حضور روسیه در سوریه از بین برود. روسیه می‌

بایست اتحاد خود را با ایران حفظ نماید. همچنین باید به اسرائیل گوشزد کند خطوط و محدودیت‌هایی وجود دارد که اسرائیل نباید از آن تجاوز کند. روسیه هرگز به طور مستقیم با اسرائیل وارد جنگ نخواهد شد، بلکه تلاش خواهد کرد تا خواست خود را از طریق تقویت سیستم دفاع هوایی سوریه به نحوی که زمینه فعالیت اسرائیل را محدود کند، تحقق بخشد (Weir, 2018: 1). در واقع روسیه سعی می‌کند تا ضمن پذیرش موقعیت جبهه مقاومت و نقش آن در تحولات منطقه‌ای، با ایجاد محدودیت‌هایی، چه بصورت مستقیم و غیر مستقیم، از سیاست‌ها و اقدامات تجاوزکارانه و تهدیدزای جبهه عربی-عبری بکاهد. رهبران کرملین بخوبی از این موضوع آگاهند حزب‌الله بازوی استراتژیک ایران محسوب می‌گردد که از توان کنشگری بالایی در منازعات منطقه‌ای برخوردار است. بنابراین تحکیم مناسبات با ایران می‌بایست مستلزم پذیرش جایگاه و موقعیت حزب‌الله باشد. اما در مقابل در عین حفظ مناسبات با ریاض و تل‌آویو، روسیه سعی کرده مانع از اقدامات خطرناک آنها در قبال ایران گردد. در واقع بنظر می‌رسد مسکو بنوعی نقش موازنه‌گر را در قبال جبهه مقاومت و جبهه عربی-عربی بر عهده دارد.

#### ۴-۳ رویکرد متعارض ایران و عربستان در قبال جنگ یمن

کناره‌گیری علی عبدالله صالح در نتیجه اعتراضات سال ۲۰۱۲ و تحمیل منصور هادی به عنوان رئیس‌جمهور یمن که با تصمیم شورای همکاری خلیج فارس و حمایت آمریکا صورت گرفت به پایان تحولات در یمن منجر نشد و ناکامی دولت جدید در تقسیم قدرت میان گروه‌های معترض در عمل سبب افزایش تحرکات شیعیان یمنی گردید (حسینی مقدم و یوسفی، ۱۳۹۶: ۸۱). اعتراضات انصارالله نسبت به فسادهای حکومتی، وابستگی دولت به غرب و آمریکا و سیاست‌های اقتصادی دولت نهایتاً منجر به تصرف پایتخت یمن توسط معترضان شد. مقبولیت بالا و نفوذ چشمگیر حوثی‌ها در یمن، نگرانی همسایه شمالی آنها یعنی عربستان سعودی با ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک را برانگیخت و باعث شد تا این کشور در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ تهاجم هوایی خود را علیه انصارالله، با ادعای حمایت از

منصور هادی رئیس‌جمهور این کشور، آغاز کند (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۴۰). در مقابل این تجاوز، کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هر کدام واکنش خاصی نشان دادند. برخی از کشورها نظیر ایران به شدت تجاوز نظامی را محکوم کرده و خواستار توقف آن و تعیین سرنوشت کشور یمن توسط مردم و مذاکره گروه‌های یمنی برای برون رفت این کشور از ناآرامی‌های داخلی شدند. اما عربستان سعودی حمله نظامی خود به یمن را واکنشی به تهدید ایران نامید؛ تهدیدی که به زعم سعودی‌ها در قالب حوثی‌های یمن و در کنار مرزهای جنوبی این کشور ظهور کرده و درصدد ناامن کردن عربستان سعودی است (آل سید غفور و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۷-۱۴۸). در حقیقت، عربستان از قدرت‌یابی حوثی‌ها در یمن بسیار بیمناک است و آن را در تعارض با منافع و امنیت ملی خود ارزیابی می‌کند. با تشدید بحران در یمن و تقابل ایران و عربستان، روسیه به عنوان کشوری که سعی در پایبندی به حقوق بین‌الملل دارد، توانست نقش میانجی را ایفاء نماید. روسیه پیش از این نیز ثابت کرده بود که با سناریوهای استعماری سایر دولت‌ها نسبت به کشورهای ضعیف و بحران‌زده مخالف است. لذا، به واسطه ویژگی‌های مذکور، روسیه از اعتبار و اعتماد بازیگران کلیدی دخیل در این بحران برای ایجاد صلحی پایدار در یمن برخوردار گشت (Serebrov, 2017: 8-11). ریاض نیز که یکی از طرفین اصلی بحران محسوب می‌شود برای حل و فصل سیاسی جنگ یمن به میانجیگری یک قدرت بزرگ خارجی احتیاج دارد. زیرا راه‌حل‌های دیپلماتیک بازیگران منطقه‌ای همچون کویت و عمان در این زمینه بی-حاصل بوده است. بنابراین، خلاء وجود یک میانجی، فرصت بسیار خوبی را برای روسیه فراهم ساخت تا توانمندی دیپلماتیک خود را در زمینه تسهیل حل و فصل منازعه در یمن به نمایش بگذارد. در همین راستا، مسکو از زمان آغاز مداخله نظامی عربستان در یمن در مارس ۲۰۱۵ روابط همکاری‌جویانه خود را با تمامی گروه‌های سیاسی ذینفع در یمن آغاز نمود و بلافاصله حمایت خود را از ایده حل و فصل مسالمت‌آمیز جنگ داخلی در یمن اعلام کرد (Ramani, 2017: 1). همزمان مسکو دولت منصور هادی را که مورد حمایت عربستان سعودی در یمن است به رسمیت شناخت و از طرف دیگر روابط خوبی با حوثی



های تحت حمایت ایران برقرار کرد (Katz, 2018). اما روس‌ها برای حمایت یکجانبه از حوثی‌های یمن دارای محدودیت‌هایی بوده‌اند. آنها به خوبی آگاهند که یمن در حال حاضر صحنه رقابت ایران (شیعی) و عربستان (سنی) است و هرچند ایالات متحده آمریکا آشکارا از ریاض حمایت می‌کند، اما پشتیبانی مستقیم مسکو از حوثی‌های یمن ممکن است این کشور را در برابر کشورهای سنی قرار دهد که روس‌ها آن را در جهت منافع خود نمی‌بینند (تقوایی‌نیا، ۱۳۹۵). بنابراین به نظر می‌رسد نحوه مدیریت روسیه در رابطه با تعارض منافع ایران - عربستان در یمن بیشتر بر محور میانجیگری قرار داشته و این کشور سعی کرده است ضمن ممانعت از مداخله نظامی، نظیر آن چه که در سوریه انجام داد، و پرهیز از تقابلات ایدئولوژیکی و فرقه‌ای طرف‌های درگیر در جنگ، سازوکاری را برای پایان منازعه پیدا نماید.

#### ۴-۴ حمایت از مساله هسته‌ای ایران

با وجود این که در دوره سیاست خارجی مدوطف، دولت روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد به شش قطعنامه تحریمی علیه ایران رای مثبت داد، اما در دوره پوتین با کاهش روابط روسیه با غرب و بازسازی روابط با ایران شرایط مناسبی فراهم شد تا این کشور در بحث هسته‌ای از تهران حمایت کند تا قطعنامه جدیدی علیه ایران تصویب نگردد. روسیه به طور مرتب بر حل و فصل موضوع هسته‌ای از طریق مسالمت‌آمیز تاکید می‌کرد. این کشور به عنوان یک میانجی سعی داشت از تشدید فشارهای بیشتر بر ایران جلوگیری کند و همچنین از طریق طرح‌های ابتکاری از جمله طرح گام به گام بتواند نقش میانجیگرانه در موضوع هسته‌ای داشته باشد. در همین راستا ولادیمیر پوتین در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ و پس از امضای توافق جامع، ضمن ابراز خرسندی از توافق جامع هسته‌ای ایران و «۵+۱» و استقبال روسیه از توافق به دست آمده اظهار داشت، «امروز جهان نفس راحتی کشید» (کرمی و کرامتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۷۸-۷۴). با این حال این توافقنامه مخالفانی نیز داشت که از آن جمله می‌توان به عربستان سعودی اشاره نمود. در واقع انعقاد توافقنامه هسته‌ای

ایران موجب هراس سعودی‌ها نسبت به اهداف و مقاصد آتی تهران در منطقه شد. زیرا عربستان همواره ادعا می‌کند که ایران در پی دستیابی به هژمونی منطقه‌ای است و برای تحقق این امر نیز از تمامی ابزارها بهره می‌جوید. آنها معتقدند با لغو تحریم‌ها علیه ایران این کشور از انزوا خارج شده و با کسب درآمد بیشتر امکان تحقق اهداف مذکور را بیش از پیش خواهد داشت (Riedel, 2016: 2). به عبارتی، از دیدگاه پادشاهی سعودی این توافقنامه تنها به رسمیت شناختن مشروعیت برنامه هسته ای ایران نیست، بلکه همچنین به ایران اجازه می‌دهد که نفوذ سیاسی، اقتصادی، و نظامی خود را از طریق نمایندگان خود، مانند حزب الله لبنان، به سایر مناطق در صفحه شطرنج خاورمیانه گسترش دهد (پاندی و بهبودی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۶۵).

به نظر می‌رسد یک شکاف بزرگی در نوع دیدگاه رهبران مسکو و ریاض در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد. مسکو هرگز برنامه هسته‌ای ایران را به اندازه دول غربی یا عربستان سعودی تهدیدآمیز تلقی نمی‌کند، بلکه از نظر آنها یک ایران هسته‌ای به نسبت خطر کمتری برای روسیه به همراه دارد تا ایرانی که در آن دولتی طرفدار غرب بر سر کار باشد (Borshchevskaya, 2017:5). علیرغم تفاوت دیدگاه‌های دو طرف، روسیه همواره سعی کرده تا چالش هسته‌ای ایران را مدیریت کند. زیرا مسکو بر آن است تا سیاست‌های خود را در قبال کشورهای خاورمیانه متعادل سازد. بنابراین از ایجاد تنش‌های بیشتر پرهیز می‌کند (Thowhidul, 2013:263). در همین راستا، در وهله نخست مسکو تلاش کرده تا به عربستان سعودی اطمینان دهد که ایران بدنیاال تسلیحات هسته ای نیست؛ و یا حداقل روسیه این امکان را برای تهران فراهم نخواهد ساخت. زیرا این کشور بشدت مخالف دستیابی سایر کشورها به تسلیحات هسته‌ای است. از سوی دیگر نیز روسیه جهت ایجاد توازن سیاست منطقه‌ای خود پیشنهاد ساخت راکتورهای هسته‌ای به عربستان سعودی داده است. این پیشنهاد ضمن آن که می‌تواند شبهه جهت‌دار و یک‌سویه بودن سیاست‌های هسته‌ای روسیه را مرتفع سازد، همچنین نشان می‌دهد که روس‌ها از این آمادگی برخوردارند تا به همه کشورهای منطقه خدمات مشابهی را ارائه دهند. حمایت

روسیه از برنامه هسته‌ای ایران نه تنها به طور ضمنی نوعی مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکا و پشتیبانی از متحد منطقه‌ای خود یعنی ایران است، بلکه همزمان منافع مادی نیز برای مسکو دنبال دارد. به عبارتی روسیه ضمن استفاده از مساله هسته‌ای ایران جهت چانه‌زنی خود با آمریکا و مقابله با سیاست‌های آن کشور، درصدد بوده تا از مزایای مالی همکاری هسته‌ای با ایران در راستای منافع ملی خود بهره‌مند گردد.

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بر این محور قرار داشت تا تحلیل نماید چگونه روسیه توانسته است همزمان با حفظ مناسبات با تهران و ریاض، به مدیریت تعارض موجود در روابط آنها در راستای منافع منطقه‌ای خود بپردازد. فرض پژوهش بر این مبنا صورت‌بندی شده بود که روسیه همواره تلاش کرده تا با ج.ا.ایران و عربستان سعودی در چارچوب یک رویکرد کاملا واقع‌بینانه و پراگماتیستی روابط مستقلی را برقرار کند تا بدین ترتیب منافع منطقه‌ای و جهانی خود را تامین نماید. در همین راستا می‌توان بیان کرد که الزامات و ضرورت‌های ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و ژئواکونومی باعث ارتباط وثیق روسیه با منطقه خاورمیانه شده است. بر همین مبنا در طول دهه‌های گذشته، بویژه از زمان قدرت‌یابی پوتین، مسکو سعی کرده تا مناسبات سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی خود را با اکثر کشورها از جمله تهران و ریاض، که دارای تعارض منافع هستند، در قالب نوعی روابط متوازن توسعه بخشد. به عبارتی، همان‌گونه که توسعه روابط با کشورهای مخالف آمریکا نظیر ایران و سوریه برای روسیه واجد اهمیت بوده است، برقراری مناسبات با دول محافظه کار و متحدان سنتی آمریکا در خاورمیانه مانند عربستان نیز از اولویت ویژه‌ای در سیاست خارجی آن کشور برخوردار می‌باشد.

با توجه به تشدید خصومت‌ها بین ایران و عربستان سعودی و تعارض منافع آنها، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علیرغم اهمیت همزمان دو کشور برای روسیه، ملاک عمل

سیاستگذاران مسکو در مناسبات خود با هر یک از این دولت‌ها همواره حفظ و تامین منافع و امنیت ملی در راستای افزایش قدرت بوده است. بر همین مبنا است که آنها در رابطه مساله فعاليت‌های هسته‌ای ایران، نفوذ منطقه‌ای و حضور این کشور در سوریه، تقابل جبهه مقاومت با ائتلاف عربی-عبری و حمايت ایران از حوثی‌های یمنی در جنگ با عربستان، كاملا بر اساس رهیافت رئالیستی و منفعت‌محور عمل کرده و توجه‌ای به خواسته‌های ریاض نکردند. در واقع منطق واقع‌گرایی پوتین بر این انگاره استوار است که روسیه زمانی به توسعه تعاملات خود با دولت‌های منطقه خاورمیانه و مداخله جهت‌گیرانه در رقابت‌های بین آنها می‌پردازد که رفتارهای آنها بنوعی اهداف و منافع حداکثری مسکو را بهترین وجه تامین کند. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد که سیاست‌های منطقه‌ای و همچنین ضد آمریکایی ایران نسبت به بروندهای دستگاه دیپلماسی عربستان سعودی به نحو مطلوب تری تامین‌کننده منافع روسیه است. به همین دلیل شاهد روابط گسترده دو کشور و همکاری‌های نزدیک آنها هستیم. اما روابط نزدیک مسکو-تهران به معنای فاصله گرفتن کرملین از ریاض و خصومت‌ورزی با عربستان نیست. بلکه سیاست روسیه به نحوی تنظیم می‌گردد که ضمن همکاری نزدیک با ایران در حوزه‌هایی مانند بحران سوریه و مساله هسته‌ای، و متقابلا نادیده گرفتن خواست رهبران سعودی در رابطه با این مسائل، در حوزه‌ها و موضوعات دیگری نظیر انرژی و یا رادیکالیسم اسلامی این کشور سعی کرده تا همکاری و مشارکت تنگاتنگی با سعودی‌ها داشته باشد. حاکمیت نگاه رئالیستی و منفعت‌محور روسیه و اتخاذ یک رویکرد مستقل در رابطه با مدیریت تعارض روابط تهران-ریاض تصدیق‌کننده فریضه پژوهش است.

## منابع:

- آل سید غفور، سید محسن؛ کاظمی، احسان و موسوی دهموردی، سید محمد (۱۳۹۴). «تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۲، تابستان.
- اطهری، اسدالله و بهمن، شعیب (۱۳۹۰). «روسیه و خاورمیانه جدید، راهبردها و چالش‌ها». **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۱۷.
- ایرنا (۱۶ آذر ۱۳۹۷). «درآمد روسیه از صادرات نفت بیش از ۳۸ درصد رشد کرده است»، **خبرگزاری ایرنا**، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/83125883>
- تقوایی‌نیا، احسان (۳۱ شهریور ۱۳۹۵). «جایگاه یمن در راهبردهای جدید روسیه»، **ایراس**، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/>
- حسینی، سیده مطهره و ابوالحسینی، مریم (۱۳۹۵). «جایگاه ایران در مکاتب فکری و سیاست خارجی روسیه»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۹۳.
- حسینی، سیده مطهره و شیراوند، صارم و معبودی نژاد، فرشته (۱۳۹۳). «تبیین گفتمانی تقابل و ملی‌گرایی قومی چچن با هویت و ملی‌گرایی روسیه»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۸۷.
- حسینی مقدم، ناهید و یوسفی، بهرام (۱۳۹۶). «راهبرد عربستان سعودی در قبال ایران»، **مجله پژوهش ملل**، شماره ۲۵.
- حسینی، سید احمد (۳۱ خرداد ۱۳۹۵). «روسیه و عربستان؛ شرکای دور و روابط نزدیک»، **دیپلماسی ایرانی**، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1959735/>
- خاشع، جعفر (۱۰ مهر ۱۳۸۹)، «اهمیت ایران برای روسیه»، **همشهری**، قابل دسترسی در: <http://www.hamshahrionline.ir/news>
- سیف زاده، سیدحسین (۱۳۸۵). **اصول روابط بین‌الملل الف و ب**، تهران: نشر میزان.
- شیرخانی، محمد علی و مهاجرپور، حامد (۱۳۹۱). «واقع‌گرایی و نقش منابع انرژی در سیاست خارجی»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره سیزدهم.
- صادقی، شمس‌الدین؛ اخوان کاظمی، مسعود و لطفی، کامران (۱۳۹۴). «بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال چهارم، شماره ۱۶.

- دیپلماسی ایرانی ( ۲۹ آبان ۱۳۹۷). «خط اعتباری ۳ میلیارد یورویی روسیه برای کریدور شمال-جنوب ایران»، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news>
- روزنامه دنیای اقتصاد (۲۹ بهمن ۱۳۹۷)، «اهمیت بالای کریدور شمال-جنوب برای روسیه و هند»، شماره ۴۵۴۹.
- زرگر، افشین و سلیمی، لیلیا (۱۳۹۶). «روسیه و مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری در قفقاز: دستاوردها و ناکامی‌ها ۲۰۰۵-۲۰۰۱»، **دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی**، شماره ۴، آبان ماه.
- شاپوری، مهدی (۱۳۹۶). «تحول در روابط عربستان و روسیه: آثار و پیامدها»، **پژوهشکده مطالعات راهبردی**، قابل دسترسی در: <https://riss.ir>
- کولایی، الهه و عابدی، عقیقه (۱۳۹۶). «فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۲۰۱۶-۱۹۹۰»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۴۰.
- کوشکی، محمدصادق؛ رنجبرمحمدی، مصطفی و گودرزی، مریم (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در بحران سوریه بر مبنای نظریه واقع‌گرایی»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال هشتم، شماره ۳۱.
- گلشنی، علیرضا و باقری، محسن (۱۳۹۱). «جایگاه حزب الله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۱.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸). **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۳). **روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: انتشارات سمت.
- عطری، زهرا (۱۶ فروردین ۱۳۹۶). «جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه؛ تحولات و روندهای جدید»، **ایراس**، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir>
- محمدزاده ابراهیمی، فرزاد و ملکی، محمدرضا (۱۳۹۵). «دکترین سیاست خارجی اوباما و رژیم صهیونیستی»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال ۸، شماره ۳.
- محمودی، مرتضی و لطیف‌اف، جوهره لطیف‌ووچ (۱۳۹۳). «نقش دین اسلام در روابط بین ایران و ملت‌های آسیای مرکزی»، **پژوهشنامه روابط بین‌الملل**، دوره ۸، شماره ۲۹.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**. تهران: انتشارات سمت.
- نجات، سید علی؛ موسوی، سیده راضیه و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵). «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۳۳.
- Alkhalisi, Zahra (5 October 2017), "Unlikely allies: Oil brings Saudi king to Moscow", Available at: <https://money.cnn.com/2017/10/05/news/economy/saudi-king-in-russia/index.html>
- Aljazeera (28 Mar 2018), "Saudi Arabia and Russia consider 10 to 20-year oil alliance", Available at: <https://www.aljazeera.com/topics/regions/middleeast.html>
- Belobrov, Y.Y and Volodin, A.G and Demidenko, S.V and Kozyrev, N.I and Lankin , Y.V and Novikov , V.Y and Sazhin , V.I and Yurtaev, V.I (2014), "Modern Russian-Iranian Relations: Challenges and Opportunities", *Russian International Affairs Council*. Available at: <http://russiancouncil.ru>
- Borshchevskaya, Anna (2016), "Russia in the Middle East" The Washington Institute for Near East Policy", *Policy Focus* 142, February 2016. Available at: <https://www.washingtoninstitute.org>
- Borshchevskaya, Anna (2017), "The Tactical Side of Russia's Arms Sales to the Middle East", *The Washington Institute*, December 2017. Available at: <https://www.washingtoninstitute.org>.
- Borisove, Timofey (2018), "Russia arms exports in the Middle East", *European Union Institute for Security Studies*, Number 146, July 2018. Available at : <https://www.iss.europa.eu>
- Brands, Hal (2018), "New Threat to the U.S.: the Axis of Autocracy", Available at: <https://www.bloomberg.com>.
- Connolly, Richard and Sendstad, Cecilie (2017), "Russias Role as an Arms Exporter", *Chatham House*, March 2017. Available at: <https://www.chathamhouse.org>.
- Dannreuther, Ronald (2009), "Russia and the Middle East: Towards a New Cold War?", ISA Conference, New York 15-18 February 2009. Available at: <http://www.issti.ed.ac.uk>.
- Dekel, Udi and Guzansky, Yoel (2013), "Israel and Saudi Arabia: Is the Enemy of My Enemy My Friend?", *INSS Insight*, No.500, December 22,2013. Available at: <https://www.files.ethz.ch>.

- Dubovikova, Maria (8 October 2017), “King Salman’s visit to Russia hailed a success on trade, investment and solving regional issues”, Available at: <http://www.arabnews.com>.
- Dutkiewicz, Piotr and Kasyanov, Nikolay (2016), “Civil War in Syria and the Evolution of Russian-Iranian Relations”, *Emirates Policy Center*, Research Paper, May 2016. Available at: <http://epc.ae/sites/default/files>.
- European Parliament (2017), “Russia’s National Security Strategy and Military Doctrine and Their Implications for the EU”, *Policy Department, Directorate-General for External Policies*. Available at : <http://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document.html?reference>.
- Fragnerova, Atena (2018), “Opportunities and Pitfalls of Saudi-Israeli Normalization”, *Aalborg University*, Denmark, 31/5/2018. Available at: <https://projekter.aau.dk>.
- Grandviewinkiev.com (17/4/2013), “The reasons why Russia supports Syria”, Available at: <http://the-reasons-why-russia-supports-syria>
- Holdony, Elena (5 October 2017), “Oil Climbs as King Salman makes the first-ever visit by a Saudi Monarch to Russia”. Available at : <https://www.businessinsider.com>
- Hardy, Catherina (06/10/2017), “Saudi Arabia and Russia sign arms deal”, Available at : <https://www.euronews.com/2017/10/06/saudi-arabia-and-russia-sign-arms-deal>
- Katz, Mrak N (7 May 2018) , “Balancing Act : Russia between Iran and Saudi Arabia”, Available at : <https://blogs.lse.ac.uk/>
- Kosach, Grigory and Melkumyan , Elena (2016), “Possibilities of a Strategic Relationship Between Russia and Saudi Arabia”, *Russian International Affairs Council*, No 6 , August 2016. Available at : <http://russiancouncil.ru/upload/Russia-SaudiArabia-policy-brief-6-en.pdf>
- Kozhanov, Nikolay (2018), “Russian Policy Across the Middle East”, Russian and Eurasia Programme, Research Paper, February 2018. Available at : <https://www.chathamhouse.org>.
- Kuzentsov, Vasily and Naumkin, Vitaly and Zvyagelskaya, Irina (2018), “Russia in the Middle East: The Harmony of Polyphony”, *Valdai Discussion Club Report*, May 2018. Available at: <http://valdaiclub.com/a/reports/report-russia-in-the-middle-east/>
- Kozhanov, Nikolay (2015), “Understanding the revitalization of Russian-Iranian relations”, *Carnegie Moscow Center*, May 2015. Available at: <https://carnegieendowment.org>.



- Kaura, Vinay (2017), "The Dynamics of Saudi-Russian Relations", *The Begin-sadat Center for Strategic Studies*, Paper No.623, October 22,2017. Available at : <https://besacenter.org>
- Naumkin, Vitaly(9 December 2013), "Russia's Role in the Middle East", Available at: <https://www.brookings.edu/events/russias-role-in-the-middle-east/>
- Naumkin , Vitaly (11 June 2015), "The Kremlins unexpected decisions", Available at: <http://imesclub.org/events/author/983-vitalynaumkin?start=20>
- Naumkin, Vitaly (2013), "Russia's Role in the Middle East", *Brookings Institue*, Available at: <https://www.brookings.edu/events/russias-role-in-the-middle-east/>
- Nye, Logan (4August 2017), "The Top 10 Militaries of the World in 2017", Available at : <https://www.military.com/undertheradar/2017/08/top-10-militaries-world-2017>
- Malashenko, Alexey (2013), "The Dynamics of Russian Islam", *Carnegie Moscow Center*, February 2013. Available at: <https://carnegieendowment.org>.
- Mearsheimer, John J. (2014), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: Norton
- Perifanis, Theodosios (2018). "An analysis on S audi Arabias crude oil production strategy", *University of Piraeus, Dept of International and European Studies*. Available at : <http://dione.lib.unipi.gr>
- Ramani, Samuel (14 November 2017), "Russia's next Power Play May Occur in Yemen", Available at : <https://nationalinterest.org>.
- Serebrov, Sergey (2017), "Yemen Crisis: Causes, Threats and Resolution Scenarios", Russian *International Affairs Council*. Available at: <http://russiancouncil.ru>
- Sen, Sharman (17 February 2018), "Advancement in Economic Relations between Russia and Saudi Arabia", Available at: <https://www.irinsider.org>.
- Secrieru, Stanislav (2006), "Russia's Foreign Policy Under Putin", Cos Project Renewed UNICCO discussion papers, No 10, January 2006. Available at: <https://www.ucm.es/data>.
- Soage, Ana (2015), "Saudi Arabia. A Regional Power Facing Increasing Challenges", *Research Gate*, 08 December 2015. Available at: <https://www.researchgate.net>.

- Soldatkin, Vladimir and Golubkova, Katya (5 October 2017),” Russia, Saudi Arabia Cement new Friendship with Kings Visit”, Available at: <https://www.reuters.com>.
- Souleimanov, Emil Aslan & Petrylova, Katarina (Fall 2017) “Russia's Policy toward the Islamic State” *Middle East Policy Council*. Available at : <http://www.mepc.org/russias-policy-toward-islamic-state>
- The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (1 December 2016), “Foreign Policy Concept of the Russian Federation”, Available at : [http://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/official\\_documents](http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents).
- The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (7 December 2017), “Press release on Russian-Saudi Consultations on Counter-terrorism Issues”, Available at: [http://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/new](http://www.mid.ru/en/foreign_policy/new).
- Thowhidul, Md. (2013). “The Nuclearization of Iran and The Policy of Russia”, *Asian and African Studies*, Volume 22, Number 2, 2013. Available at : [https://www.sav.sk/journals/uploads/112612414\\_Islam.pdf](https://www.sav.sk/journals/uploads/112612414_Islam.pdf)
- Vatanka, Alex (2017), “Iran’s Russian Conundrum”, *The Jamestown Foundation*, October 5, 2017. Available at: <https://jamestown.org/program/irans-russian-conundrum/>
- Waltz, Kenneth N. 2003. More May Be Better, in Scott D. Sagan and Kenneth N. Waltz, *The Spread of Nuclear Weapons: A Debate Renewed*, New York: Norton.
- Wile, Rob (23 July 2014), “Here's How Dependent Russia's Economy Is On Oil And Gas”. Available at: <https://www.businessinsider.com/russia-oil-and-gas-dependence-chart-2014-7>.
- Weir, Fred (4 May 2018), “As Israel-Iran rivalry burns, Russia’s Tehran ties may get singed”, Available at : <https://www.csmonitor.com>.
- Xing, Li and Ma, Yuan (2010), “A Comparative Analysis of US-Russia Middle East Energy Strategy” ResearchGate, September 2010. Available at: <https://www.researchgate.net>.



